

واژه نامه مهندسی مکانیک (۷)

دکتر کاظم ابهری

از C Carburetor

<p>cable laid</p> <p>درست شده از سه طناب چپ پیچ ، و هر طناب دارای سه رشته به هم پیچیده .</p>	<p>C → calorie</p> <p>cabane</p> <p>میله‌های نگهدارنده و استوارکننده بال در هواپیماهای نخستین .</p>
<p>راه سیم - آهن ، راه سیم‌ها ، سیم‌انراه cable railway</p> <p>راه آهن شیب‌داری که بر روی آن واگن‌هایی حرکت می‌کنند که در فاصله‌های یکسان به طناب [سیم] فولادی بی‌پایانی بسته شده‌اند ، طناب را یک موتور ساکن می‌گرداند .</p>	<p>cabinet file</p> <p>سوهان زبرچوبکاری که سطح‌های تخت و برآمده دارد .</p>
<p>cable system drill → churn drill</p>	<p>cabinet hardware</p> <p>قطعه‌هایی که برای پایان پیرایی کابیت به کار می‌رود ، همچون لولا ، دستگیره کشو و گردونک ( knob )</p>
<p>cableway سیمراه ، راه سیمی</p> <p>دستگاه ترابری ساخته شده از کابلی که میان دو یا چند نقطه کشیده شده است و بر روی آن واگن‌هایی توده مصالح ساختمانی را جابجا می‌کنند .</p>	<p>cabinet saw</p> <p>اره کوتاهی با یک لبه برای برش ساده و لبه دیگر برای چلیپایی .</p>
<p>cableway carriage</p> <p>ارابه سیم پیما ، ارابه کابل پیما</p> <p>ارابه رونده بر روی کابلهایی که میان دو یا چند برج کشیده شده‌اند و بار اصلی را به دوش می‌کشند .</p>	<p>cabinet scraper</p> <p>ابزار فولادی بالبه فرمدار برای زدودن ناهمواریهای سطح چوب .</p>
<p>cage</p> <p>شبکه‌ای که ساچمه‌های بلبرینگ یا غلتکهای رولبرینگ را یکسان از هم جدا نگه می‌دارد .</p>	<p>cable کابل</p> <p>مجموعه‌ای از سیم یا رشته که طنابوار به هم پیچیده شده‌اند .</p> <p>نقاله کابلی</p> <p>cable conveyor</p> <p>نقاله برقی که بر روی کابل نرمش پذیر و گشتاور رسان آن ، که رزوه‌های پیچ‌وار دارد ، ارابه‌ای حرکت می‌کند .</p>

<p>می‌گویند دما مجموع تابعی خطی از مقاومت پلاتین و یک جمله تصحیح است. این جمله تابعی درجه دوم از دما است.</p>	<p>cage mill دستگاه ریزکننده خاک و گِل مواد سرامیکی و نسوز، کیکواره‌های پرسی، پنبه نسوز، فرآورده‌های کناری کارخانه‌های تهیه و بسته‌بندی مواد گوشتی و نیز مواد سفت، مواد چسبناک و صمغی، مواد پرتم و مواد زودگذار.</p>
<p>کالری calorie</p> <p>کوتاه شده آن cal است و بیشتر با C نمایانده می‌شود.</p> <p>۱ - یک انرژی گرمایی برابر با ۴/۱۸۶۸ ژول که به کالری جدول بین‌المللی (کالری IT) نیز شناخته شده است.</p> <p>۲ - یک گرم برابر با گرمایی که دمای ۱ گرم آب را در فشار ثابت ۱ جو استاندارد از ۱۴/۵ به ۱۵/۵ °C برساند؛ این یک گرمایی برابر با ۴/۱۸۵۵ ± ۰/۰۰۰۵ ژول است که آن را به کالری پانزده درجه، گرم کالری (g-cal) و کالری کوچک نیز می‌شناسند ۳ - یک گرم برابر با ۴/۱۸۴ ژول که در گرمایشیمی به کار می‌رود و آن را به کالری گرمایشیمی نیز می‌شناسند.</p>	<p>cal → calorie</p> <p>calibrated airspeed سرعت هوا که از روی سرعتنمای فشاری تفاضلی خوانده می‌شود، سرعتنمایی که خطای آن و خطای کارگذاری آن پیراسته شده است و سرعتی را که نشان می‌دهد سرعت راستین هوا در شرایط استاندارد سطح دریاست.</p>
<p>بادامک cam</p> <p>صفحه یا استوانه‌ای که حرکت خود را از راه لبه خود یا شیاری در سطح خود به پیرو می‌رساند.</p>	<p>کولیس caliper</p> <p>سنج افزاری باد و فنک تنظیم شونده برای اندازه‌گیری بعدهای خطی، کلفتی و قطر.</p>
<p>شتاب پیروبادامک cam acceleration</p> <p>شتاب پیروبادامک.</p>	<p>کولیسوار caliper gage</p> <p>سنج افزاری، مانند ریزسنج، بادمانه ثابت برای اندازه‌گیری کولیسوار.</p>
<p>خیز منحنی برشگاه یک جسم آئرو دینامیکی که معمولاً با نسبت زیر بیان می‌شود: 'بیشینه فاصله منحنی از خط راستی که دوسر آن رابه هم می‌پیوندند' به درازای این خط راست. انحراف از خط راست؛ این اصطلاح درباره منحنی کوژ، یا درباره افزایش قطر در مرکز مواد نورد شده به کار می‌رود.</p>	<p>معادله کلندر Callendar's equation</p> <p>۱ - معادله حالت بخار، که دمای آن در فشار موجود بسی بالاتر از دمای جوش، ولی کمتر از دمای بحرانی است:</p> $V - b = RT/P - a/T^n$ <p>که در آن V حجم، R ثابت گاز، T دما، P فشار، n برابر با ۱/۳، و b ثابت است.</p> <p>۲ - معادله‌ای بسیار دقیق میان دما و مقاومت پلاتین که</p>

<p>cam pawl                      زبانه بادامکی</p> <p>زبانهای که با عمل گوه‌سان خود در حالی که چرخشی را از چرخیدن در یک سو یا از چرخیدن در سوی دیگر آزاد می‌گذارد.</p>	<p>camber angle</p> <p>شیب چرخهای جلو اتومبیل از راستای قائم.</p>
<p>cam profile                      منحنی بادامک</p> <p>شکل منحنی بادامک که از راه آن، حرکت به پیرو می‌رسد.</p>	<p>cam cutter                      بادامک‌بر</p> <p>ماشین خودکار یا نیمه خودکاری که قطعه کار را در حالی که می‌چرخد نوسان می‌دهد و پیرامون بادامک را می‌تراشد؛ در این ماشین شاه بادامکی به کار می‌رود که با غلتکی در تماس است.</p>
<p>camshaft                      میل بادامک</p> <p>محور چرخنده بادامک دار.</p>	<p>cam dwell</p> <p>بخشی از پیرامون بادامک که در میان بخشهای فزاینده و فرود آور پیرو است.</p>
<p>can</p> <p>مخزن یا ظرف استوانه‌ای فلزی، که معمولاً "سریاز" است و یادر پوش جدا شدنی دارد.</p>	<p>cam engine                      موتور بادامکی</p> <p>موتور پیستونی که در آن یک ساختار بادامک - و - غلتک حرکت رفت و برگشتی را به حرکت چرخشی برمی‌گرداند.</p>
<p>canard</p> <p>۱ - خودرو آئرو دینامیکی که در آن سطحهای افقی که برای تنظیم راستای حرکت نسبت به جریان هوا و نیز کنترل به کار می‌رود در جلو بال یا در جلو سطح فزاینده اصلی خودرو هستند. ۲ - سطحهای افقی تنظیم‌کننده حرکت نسبت به جریان هوا و نیز کنترل‌کننده در چنین خودرویی.</p>	<p>cam follower                      پیرو بادامک</p> <p>بندگار خروجی ساختار بادامکی.</p>
<p>canned motor</p> <p>موتوری که پمپی را می‌چرخاند و هر دو در آشیاک‌های چنان جای گرفته‌اند که پاتاقانهای موتور باهمان مایعی که پمپ می‌شود روغنکاری می‌شود.</p>	<p>cam mechanism                      ساختار بادامکی</p> <p>اهره‌بندی مکانیکی که از راه پیرامون فرمان یک بادامک، به بندگار خروجی حرکت معینی می‌دهد.</p>
	<p>cam nose</p> <p>نوک بادامک، دماغه بادامک، دماغ بادامک</p> <p>بالا ترین نقطه بادامک که سوپاپهای موتور را باز یا بسته نگه می‌دارد.</p>

cantilever spring فنوتخت، فنویک سرگیردار فنوتخت یک سرگیردار که به سردیگرش یاد نزدیک آن باری نهاده شده است.	canned pump پمپ شناور پمپ آببندی شده‌ای که می‌تواند در زیر آب کار کند.
cantilever vibration حرکت نوسانی عرضی جسم یک سرگیردار.	canonical equations of motion → Hamiltons equations of motion
Canting جابجایی عرضی سرازاد تیویک سرگیردار با نیرویی که اندازه آن اندکی کوچکتر از نیرویی باشد که تیر را می‌شکند.	canonical form نمایش دستگاه دینامیکی با مدل ریاضیاتی ویژه‌ای که ماتریسهای آن آرایش سطر - ستون ویژه‌ای دارند.
can <sub>1</sub> -type combustor →	canonically conjugate variable هم‌ارای هم‌گامیده و تگانه همیوغ آن.
cannular combustion chambers	canonical momentum → conjugate momentum
cape chisel قلم زاویه - قلم دماغه‌ای اسکنه‌ای که تنه آن به سوی سرتخت و برنده‌اش به باریکی می‌گراید؛ این اسکنه برای درآوردن شیار تخت به‌کار می‌رود.	canonical transformation تبدیلی میان مختصات و تگانه‌های دستگاه دینامیکی که بیانگر حالت دستگاه دینامیکی کلاسیک است و شکل معادله‌های حرکت‌ها میل‌تون را تغییر نمی‌دهد.
cape foot یکه درازا برابر با ۰.۳۳ فوت [پا] یا ۰.۳۱۴۸۵۸۴ متر.	canopy ۱ - سایبان چترچتر بازان که سطح اصلی نگهدارنده آن است. ۲ - سرپوش شفاف خلبان نشین هواپیما.
capillarity موئینگی فرایا فرورفتن سطح مایع در تماسگاه آن با جسم جامد؛ علت این پدیده کشش نسبی میان خود مولکولهای مایع و نیز میان مولکولهای مایع و جامد است.	cant file سوهان اره سوهان سه‌گوش هرمی شکل نرم که برای تیز کردن دندانهای اره به کار می‌رود.
capillary action → capillarity	cant hook اهرمی بازائده قلابسان در یک سر، که برای جابجا کردن چیزها به کار می‌رود.
capillary attraction کشش موئینی نیروی چسبندگی میان جامد و مایع در پدیده موئینگی.	

\* سوختارگاههای لوله‌ای cannular combustion chambers

سوختارگاههای جدا از هم توربین گاز هواپیما.

<p>بست پایبند captive fastener</p> <p>بست پیچگونه‌ای که پس از باز کردن بیرون نمی‌افتد.</p>	<p>فرورفتگی موئینی capillary depression</p> <p>فرورفتگی دور سطح خمیده مایع در لوله‌ای که مایع دیواره آن را تر نمی‌کند، مانند فشار سنج جیوه‌ای. در این پدیده سطح مایع در لوله کوز می‌شود و به فرورفتگی دور سطح مایع می‌انجامد.</p>
<p>فرایند کنترل پرتا به با دستگاه هدایت. capture</p>	<p>فشار موئینی capillary pressure</p> <p>اختلاف فشار در مرز میان دو حالت [فاز] تا آمیختنی سیال.</p>
<p>car → automobile</p>	<p>capillary ripple capillary wave</p>
<p>اصل کاراتئودوری، Caratheodory's principle</p> <p>اصل دسترسناپذیری بیانی از اصل دوم ترمودینامیک که می‌گوید در همسایگی هر حالت تعادل دستگاه، حالت‌هایی هست که فرایند بی‌دروغ برگشتپذیر یا برگشتناپذیر را بدان دسترسی نیست.</p>	<p>خیز موئینی capillary rise</p> <p>حاصل ضرب خیز مایع درون لوله موئین در شعاع آن.</p>
<p>carbide tool</p> <p>تراش ابزار [تیغه یا قلم] ی از کربور تنگستن، تیتانیم یا تانتالوم، با مقاومت بسیار در برابر گرما و سایش.</p>	<p>موج موئینی capillary wave</p> <p>۱ - موجی که در مرز میان دو سیال، مانند مرز میان هوا و آب اقیانوسها و دریاچه‌ها، پدیده می‌آید، نیروی بازگرداننده این موج را کشش سطحی مهار می‌کند. ۲ - آ‌موج کمتر از ۱/۲ سانتیمتر.</p>
<p>carbon knock</p> <p>جرقه پیش‌س در موتور درونسوز که به پت پت کردن موتور می‌انجامد، این پدیده هنگامی رخ می‌دهد که انباشتگی کربن، در سیلندر بیش‌گرمایی پدید می‌آورد.</p>	<p>cap screw</p> <p>پیچی که از سوراخ بی‌رزوه قطعه‌ای گذشته، در سوراخ رزوره شده قطعه دیگر پیچ می‌شود و بدینسان آن را به‌این می‌بندد. سر این پیچ، قطعه‌ها را به‌هم نگه می‌دارد.</p>
<p>carburetion</p> <p>سوخت‌آمایی (سوخت‌آمایی) فرآیند آمیزش سوخت و هوا در کار بوراتور.</p>	<p>capstan nut</p> <p>مهراهی با چندین سوراخ در پهلویش‌ها، که می‌توان میله‌ای را در یکی از آنها فرو کرد و مهروه را چرخاند.</p>
<p>carburetor</p> <p>کاربوراتور، سوخت‌اما (سوخت‌اما) فزاره‌ای که آمیزه سوخت - هوای موتور درونسوز بنزینی را می‌سازد و نسبت و اندازه آن را کنترل می‌کند.</p>	<p>capstan screw</p> <p>پیچی که سر آن چندین سوراخ شعاعی دارد و می‌توان میله‌ای را در یکی از آنها فرو کرد و پیچ را چرخاند.</p>
	<p>بالن پایبند capstan ballon</p> <p>بالن پایبند شده با، معمولاً، طناب‌های فولادی.</p>